

ویژگی های مدیریتی پیامبر اعظم (ص) (اصل شورا و هم اندیشی)

جعفر تابان^۱

چکیده

یکی از اصولی که قریب به اتفاق محققان مسلمان آن را رکن و پشتوانه‌ی حکومت اسلامی دانسته‌اند، اصل شورا است. قرآن در مواردی به این اصل مهم امر کرده و اهمیت آن را یادآور گشته است. پیامبر بزرگ اسلام، از این اصل به خوبی بهره جست و از سیره‌ی مدیریتی آن حضرت به خوبی بر می‌آید که شورا و فرهنگ مشورت پذیری، در همه‌ی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی نقش بسیار مهمی دارد. متفکران مسلمان با الهام از قرآن و روایات نبوی تحقیقات گسترده‌ای برای روشن کردن ابعاد و زوایای گوناگون این اصل، انجام داده‌اند.

امام خمینی^(ه) در حوزه های مختلف تصمیم گیری و اجرای امور حکومتی ملاک را آرای مردم می‌دانست؛ بر این اساس، در قانون اساسی جمهوری اسلامی فرصت های مختلف و متعددی برای حضور فعال مردم در عرصه های تصمیم گیری منظور گردیده است. مقام معظم رهبری نیز در موارد گوناگون بر جنبه مردمی بودن نظام و لزوم مشارکت فعال مردم در صحنه های مختلف تصمیم گیری تأکید ورزیده‌اند. از اندیشمندان اهل سنت سید قطب مشورت را اصل سوّم و یکی از اصول زندگی اسلامی می‌داند و

۱- استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی

محمد رشیدرضا صاحب تفسیر مهم المنار، مشورت را قاعده‌ی اساسی حکومت شمرده است. اصولاً در فلسفه سیاسی اسلام شورا و هم اندیشی جایگاه مهمی دارد؛ بر این اساس، زمینه رشد توأم با احساس مسؤلیت در آحاد جامعه اسلامی فراهم می‌گردد.

کلید واژگان: شیوه‌ی مدیریتی پیامبراعظم (ص)، پیامبراعظم (ص) و هم‌اندیشی، مشورت و مدیریت دینی، سیره‌ی نبوی.

مقدمه

با دقت در آیات قرآن کریم و همچنین روایات معصومین (ع) و خصوصاً سیره و روایات پیامبر اعظم (ص) انسان به خوبی به این نکته پی می‌برد که بحث شور و مشورت از اصول مهم اسلامی در تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی است.

اکنون که دنیای معاصر به تازگی به اصول مردم‌سالاری و شورا، آن هم به طور ناقص، پی برده و بر روی آن با توجه به تصمیم‌گیری‌ها در نهادهای ملی و بین‌المللی که شورایی اداره می‌شوند تأکید می‌کند، حاکی از اهمیت این اصل در دنیای امروز است. با این وجود، نگاه قرآن به این مسأله و اهتمام راستین نبی مکرم اسلام در باره‌ی آن، عمق و اهمیت ویژه‌ای دارد. این مقال کاوشی است در طرح موضوع، اهمیت، چگونگی و ابعاد و زوایای اصل شورا از منظر آیات و روایات، با تأکید بر سنت نبوی. همچنین در صدد است نکاتی رفتاری از زلال وحی و سیره‌ی نبوی را در این باره بررسی نماید.

معنا و مفهوم شورا

شورا در لغت به معنای «عرضه کردن» یا «نشان دادن چیزی نیکو و نفیس که پوشیده و پنهان باشد»، به کار رفته است. این معنا از این بابت است که در جریان مشورت، آنچه که برای مشورت‌کننده پنهان است، توسط مشورت‌شونده آشکار می‌گردد. گاهی نیز «شورا» را برگرفته از «شار العسل» (استخراج کرد عسل را از کندو) دانسته‌اند. این معنا ناظر به لزوم دقت و حوصله در هنگام شور و مشورت است؛ چرا که استخراج عسل از کندو با آرامی و دقت صورت می‌گیرد (معجم اللغة). افزون بر آن، مشورت موجب می‌شود تا کارها با دقت و آرامش و تأنی بیشتر و بهتری صورت گیرند (مصباح المنیر، ماده شور). بنا بر این، در مفهوم شورا، مفاهیمی نظیر توضیح، تبیین و... نیز لحاظ شده‌اند (صحاح اللغة).

این واژه نظر به سطوح گسترده‌ای که دارد در حوزه‌های گوناگونی به کار رفته و در قالب کارهای گروهی و جمعی نمایان گردیده و معانی اصطلاحی و مضاف پیدا کرده است از قبیل شورای امنیت، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای نگهبان، شورای تأمین، شورای شهر و روستا و... پیدا کرده است.

نارسایی‌های فکری و روحی انسان و لزوم هم‌اندیشی

انسان در میان همه‌ی موجودات عالم خلقت، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد؛ انسان موجودی است آمیخته از عقل و عاطفه، عشق و اندیشه، بینش و گرایش و هر یک از این ابعاد در تکامل انسان نقش اساسی دارد. از دیدگاه قرآن، انسان موجودی است دو بعدی؛ جنبه‌ی مادی او که از خاک آفریده شده است و دیگری بعد معنوی او که در قرآن، روح الهی از آن تعبیر شده است. بر این اساس، علم و تفکر دو ویژگی مهم انسان شمرده می‌شود: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»، خدا درجات کسانی از شما را که ایمان آورده و کسانی که به آنها علم داده شده است را بالا می‌برد. (مجادله، ۱۱) در جایی دیگر می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»، آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، برابرند؟ (زمر، ۹)

این موقعیت انسان، سبب می‌شود که ضمن ممتاز بودن رشد و تکامل او در صورت رفتار نادرست و طی مسیر انحرافی، خسران و زیان او نیز بسیار اساسی و ویرانگر باشد. خدا انسان را مختار آفریده تا برپایه‌ی آگاهی و اختیار خود زندگی کند اما دایره‌ی آگاهی او، بسیار محدود است و در موارد فراوان از تبعات افعالی که انجام می‌دهد با خبر نیست. قرآن این محدودیت انسان را با تعبیر زیبایی بیان کرده و می‌فرماید: «وَمَا أوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»، و شما از علم جز بهره‌ی کمی داده نشده‌اید. بر این اساس، روی آوردن و گفتگو با دیگران به عنوان یک ضرورت، دامنه‌ی آگاهی انسان را گسترش می‌دهد و امکان تصمیم‌گیری سنجیده تری را فراهم می‌کند. یک انسان هر چقدر اندیشمند و دانشمند و اهل فکر باشد، بالاخره یک فرد است. وقتی با دیگران مشورت می‌کند عقل و فکر و اندیشه او توسط دیگران تقویت می‌شود و به صورت طبیعی ضریب خطای او کاهش می‌یابد.



با توجه به تکامل و پیشرفت جوامع بشری و اینکه انسان به لحاظ فطرت طالب پیشرفت است و نظر به گستردگی و پیچیدگی ابعاد و زوایای گوناگون زندگی انسانی، به نظر می‌رسد خودپسندی و اعراض از تجارب و یافته‌های دیگران، معادل رکود و عدم پیشرفت و با خواست فطری انسان، در تعارض است. بر این اساس، رجوع به دیگران و استفاده از افکار و نظرات آنان، قوت تصمیم‌گیری‌ها را دوچندان می‌سازد و از آفات و آسیب‌ها جلوگیری می‌کند.

مسأله‌ی مهمّ دیگر، توجه به حقوق انسان‌ها است، به خصوص در جاهایی که تصمیم‌گیری‌ها بر سرنوشت آنها تأثیر دارد و در زندگی اجتماعی انسان‌ها، که چاره‌ای جز پذیرفتن آن نیست، منافع افراد در موارد فراوانی در تضادّ با یکدیگر قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی تأمین حقوق انسان‌ها تنها منوط به استفاده از نظرات افراد مختلف بوده و جز از این طریق ممکن نیست و امروزه جوامع انسانی می‌کوشند تا حدّی به آن توجه کنند.

با توجه به آنچه گفته شد، تردیدی نیست که شور و مشورت شرط لازم زندگی است و بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آن، خسارت‌های جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. بر این اساس و نیز با توجه به تأکید قرآن بر امر شورا، پیامبر اعظم^(ص) با این که به طور مستقیم به منبع لایزال علم الهی متصل بود و نیازی هم به استفاده از افکار دیگران نداشت، این اصل مهمّ را مورد توجه قرار داد و در سیره‌ی خود به آن پایبند بود.

بدین طریق علمای دین نیز بر مسأله‌ی شور و مشورت و لزوم مراجعه به متخصص تأکید ورزیده‌اند؛ آنان در رساله‌های عملیه و بحث‌های فقهی آنگاه که به مبحث تقلید می‌رسند، این مطلب را مورد دقت قرار می‌دهند و مخصوصاً دلیل آن را عرف عقلا می‌دانند (کفایه الاصول، ۲، مبحث تقلید) بنابراین، لازم است که برای تصمیم‌گیری و اجرای امور با متخصصان مشورت شود.

نظر به اهمّیت مسأله‌ی شورا، قانون اساسی جمهوری اسلامی عنایت خاصی را به آن، معطوف داشته است؛ امام راحل^(ره) در آغاز شکل‌گیری جمهوری اسلامی، حتی تعیین نوع حکومت را نیز منوط به آرای مردم ساخت و از آنان خواست تا با شرکت در همه‌پرسی نظر خود را در این باره اعلام کنند. نهادهای مهمّ مشورتی در نظام جمهوری اسلام از سطوح عالی گرفته تا شوراهای شهر و روستا با الهام از قرآن و سیره و روش

پیامبر اعظم^(ص) شکل گرفته است. تأکیدات مقام معظم رهبری بر هم اندیشی و مشورت برای هر چه بهتر انجام دادن امور، برخاسته از چنین نگرشی است.

شورا در قرآن

در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به اهمیت شورا به عنوان یکی از روش های حکومتی اسلام اشاره کرده اند و به طور مشخص در سه آیه از قرآن کریم این کلمه به کار برده شده است:

آیه اول

«فَمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»، «به رحمتی از طرف خدا با آنان نرم برخورد می کنی. اگر سنگدل و نامهربان بودی از دور تو پراکنده می شدند. از آنان در گذر و برای آنان از خدا طلب مغفرت کن. و در امور با آنان مشورت کن. هرگاه تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن. خدا توکل کنندگان را دوست دارد» (آل عمران-۱۵۹).

در این آیه شریفه خداوند سبحان با صراحت به پیامبر اعظم^(ص) می فرماید که: با مؤمنان و مسلمانان در امور مختلف مشورت کن؛ بحثهای مختلفی درباره ی این آیه مطرح است:

۱- گفته می شود این آیه پس از جنگ احد نازل شد؛ آنگاه که پیامبر اعظم^(ص) با مشورت اصحاب در کوههای احد به مقابله مشرکان رفت (تفسیر قمی، ۱۰۱؛ تاریخ یعقوبی، ۱، ۴۰۶) و با آنان درگیر شد. نتیجه جنگ گرچه در ظاهر شکست مسلمانان بود، ولی این جنگ تجربه های بسیار ارزنده ای را برای مسلمین در پی داشت. گرچه پیامبر و بعضی دیگر از اصحاب، نظرشان این بود که در مدینه بمانند و از شهر دفاع کنند، اما هرگز تا آخر عمر، جوانان شجاع و دلاوری را که پیشنهاد حرکت به سمت احد را داده بودند، شماتت نکرد.

۲- در این آیه شریفه، از صیغه ی امر استفاده شده است «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»؛ علمای علم اصول می گویند که صیغه ی امر دلالت بر «وجوب» دارد (اصول فقه مظفر، ۵۹؛ کفایه الاصول، ۱، ۸۳) بنابر این، مشورت کردن حتی بر پیامبر اعظم^(ص) وجوب پیدا می کند. در اینجا جای این بحث باقی می ماند که پیامبر گرامی اسلام دارای مقام عصمت و علم لدنی



است؛ چگونه او مأمور شده که با انسانهای عادی مشورت کند. در پاسخ گفته‌اند که آنچه بر مؤمنان واجب بوده بر پیامبر نیز واجب گردید و ممکن است این خطاب به پیامبر اعظم^(ص) از این بابت باشد تا دیگران به طریق اولی، بر امر مشورت اهتمام ورزند و فرهنگ شور و مشورت و بهره‌مندی از مزایای فکر و اندوخته‌های دیگران، در میان جامعه‌ی اسلامی رایج گردد. البته در مشورت‌هایی که پیامبر اعظم^(ص) انجام می‌دادند، اصحاب و یاران حضرت از نظر روحی و شخصیتی فوق‌العاده تقویت می‌شدند و در برابر امور فردی و اجتماعی احساس مسؤولیت می‌کردند.

۳- کلمه «امر» در این آیه‌ی شریفه، مطلق است و قید خاصی ندارد؛ بر این اساس، لازم است که در همه‌ی امور شخصی و اجتماعی و اجرایی مشورت شود. مبدا شکستی ظاهری مانند آنچه در جنگ احد اتفاق افتاد، مانع امر مهم مشورت و دخالت دادن افراد در اداره‌ی امور گردد. البته این نکته روشن است که احکام شریعت و پیروی از آنها، مشمول این حکم نیست و همه باید از آنها تبعیت کنند؛ بلکه مشورت‌ها نیز می‌بایست در چارچوب دین صورت گیرد.

۴- خداوند در این آیه شریفه به پیامبر اعظم^(ص) دستور می‌دهد که: «اگر تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن»؛ یعنی بعد از تصمیم، دیگر جایی برای مشورت باقی نمی‌ماند و آن تصمیم بی‌درنگ باید اجرا شود. اما این مطلب که آیا همه‌ی تصمیمات پیامبر^(ص) لزوماً می‌بایست بر پایه‌ی مشورت و شورا باشد یا خیر، سخنی دیگر است. به طور طبیعی وقتی پیامبر^(ص) با کسانی مشورت می‌کرد، بر آن اساس، تصمیم‌گیری و اقدام می‌شد؛ اگر هم در پاره‌ای موارد نتیجه‌ی مشورت مطلوب نبود، اشکالی بر اصل مشورت وارد نمی‌شد؛ بلکه طرف‌های مشورت می‌کوشیدند تا با دقت و احساس مسؤولیت بیشتر به تبادل نظر و همفکری پردازند و نظر صائب را برگزینند. پیامبر اعظم^(ص) همواره می‌کوشیدند تا از فرصت‌های مختلف برای تربیت و هدایت افراد بهره‌جویند. ولی در مجموع در مواردی نیز هر آنچه را که رسول خدا^(ص) می‌فرمودند، همه از روی میل و رغبت و با شوق فراوان اجرا می‌کردند؛ چرا که آنان به درستی دریافته بودند که پیامبر اعظم^(ص) هرگز در صدد تحمیل سخن و نظر خود بر دیگران نبوده و جز مصلحت و سعادت آنان، به چیزی نمی‌اندیشد.

آیهی دوّم

«وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»، امور مؤمنان به وسیله شوری بین آنان صورت می‌گیرد (شورا، ۳۸). این آیهی شریفه از ویژگی‌های مؤمنان، این نکته را بیان می‌کند که آنان امورشان و تصمیم‌گیری‌هایشان بر اساس اصل مشورت بنا شده است. در تفسیر این آیه دو معنا ارائه شده است: در یک معنا مؤمنین کسانی دانسته شده‌اند که در انجام هر کاری با هم مشورت می‌کنند. در معنایی دیگر کلمه‌ی «شوری» مصدر تلقی شده است و بنا بر این معنای آیه چنین می‌شود: کار مؤمنین مشاورت در بین خویش است. به معنا که لحاظ شود، در این جمله اشاره ای است به این که مؤمنین اهل رشدند و در به دست آوردن و استخراج رأی صواب دقت به عمل می‌آورند، و به این منظور به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند (طباطبایی، ۱۸، ۹۳).

نکته‌ی دیگر این که این آیهی شریفه، به صورت جمله‌ی خبری مطرح شده و در علم اصول ثابت شده است که دلالت جمله‌ی خبری بر إنشاء و امر، قوت بیشتری دارد (مظفر، ۱، ۶۴؛ کفایه‌الاصول، ۱، ۹۲). آیه با تأکید و ابرام بیشتری بر لزوم شورا و تصمیم‌گیری بر اساس آن، صحّه گذاشته و «امر» صورت مطلق بیان شده است. بنا بر این، در همه‌ی امور فردی، اجتماعی، سیاسی و اجرایی باید کارها با مشورت انجام گیرد. البته احکام شریعت از ناحیه خدای سبحان اعلام می‌شود به همین دلیل مشورت درباره‌ی آنها راهی ندارد و ممکن نیست.

آیهی سوّم

«وَ الْوَالِدَاتُ يَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ فَإِنْ أَرَادَ فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا»، پدر و مادر باید فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند اگر خواستند از روی رضایت و مشورت بین پدر و مادر، او را از شیر جدا کنند گناهی بر آن دو نیست (بقره، ۲۳۳).

این آیه درباره‌ی چگونگی جدا کردن فرزند از شیر مادر است. قرآن در اینجا نیز مشورت را مطرح کرده و این جمله به خاطر حرف «فاء» تفریع بر حقی است که قبلاً برای زوجه تشریح گردیده و به وسیله‌ی آن حرج از میان برداشته شده است، پس حضانت و شیر دادن بر زن واجب و غیر قابل تغییر نیست، بلکه حقی است که می‌تواند از آن



استفاده کند، و می تواند ترکش کند. تصمیم گیری در این باره بر مدار مشورت زوجین است.

مشورت در احادیث و سیره‌ی پیامبر اعظم (ص)

موارد متعددی از زندگی پیامبر اعظم (ص) نشان می‌دهد که ایشان در امور مختلف با اصحاب و یاران خویش مشورت می‌کردند؛ در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌گردد.

۱- قبل از جنگ احد آنگاه که قریش با نیروهای جنگی خود از مکه به سمت مدینه حرکت کرد تا انتقام شکست بدر را بگیرد، بعضی از جوانان شجاع مسلمان معتقد بودند برای جنگ با مشرکان از مدینه بیرون روند و در خارج از شهر با آنان روبرو شده تا آنان را شکست دهند.

گروه دیگر می‌گفتند که درون شهر بمانیم و آنها را شکست دهیم. سرانجام با مشورت تصمیم بر خروج از شهر گرفتند و در کوه‌های احد با دشمن روبرو شدند. مسلمانان نخست پیروز شدند اما همین که برخی محافظان و دیدبان‌ها برای جمع آوری غنائم از موضع خود دور شدند، دشمن از همان رخنه آنها را دور زد و مسلمانان با مشکل روبرو شدند. حمزه به شهادت رسید و پیامبر اعظم (ص) زخمی شدند؛ اما این جنگ نیز برکات فراوان و عبرت‌های زیادی برای مسلمانان در پی داشت.

پیامبر اعظم (ص) با اینکه خود طرفدار ماندن در مدینه بود، اما هرگز کسانی را که طرفدار خروج از مدینه بودند به دلیل نتیجه جنگ سرزنش نکرد. این مسأله به خوبی نشان می‌دهد که در سیره‌ی پیامبر اعظم (ص) بحث مشورت از چه جایگاه و اهمیتی برخوردار است (تاریخ یعقوبی، ۱، ۴؛ تاریخ طبری، ۳، ۱۸۹).

۲- در سال پنجم هجرت بار دیگر کفار و مشرکان با جمع کردن تمام امکانات خود و قبایل هم پیمان، به طرف مسلمانان در مدینه حرکت کردند که جنگ احزاب یا خندق را راه انداختند. در این جنگ در چند مرحله مشورت‌های مهمی رخ داد:

الف) هنگام حفر خندق این سلمان فارسی صحابی مسلمان ایرانی بود که سابقه‌ی جنگ‌های ایرانیان را داشت و راه دفاع از شهر را برای آنان در حفر خندق دانست؛ مسلمانان نیز این راه حل را پسندیدند (همان، ۱، ۹؛ همان، ۳، ۲۳۳؛ ابن‌العاد، ۲، ۱۷۸؛ ابن‌اثیر، ۱۷۸).



ب) در حین جنگ نیز بعضی از قبایل عرب با پیامبر اعظم^(ص) به توافق نزدیک شدند که در عوض دست کشیدن از کمک به مشرکان و یاری مسلمانان در سال، $\frac{1}{3}$ خرمای مدینه به آنان برسد. سعد بن عباد و سعد بن معاذ از یاران رسول خدا^(ص) و از سران اوس و خزرج عرض کردند ما در زمان شرک و کفر چنین کاری را انجام نمی‌دادیم. حالا که بوسیله اسلام و ایمان ما عزت یافته‌ایم صلاح نیست به چنین کاری دست زنیم پیامبر اعظم^(ص) نیز به نظر مشورتی آنان احترام گذاشت و این توافق انجام نگرفت و مسلمانان در جنگ خندق (احزاب) به پیروزی چشمگیری دست پیدا کردند.

ج) گفته می‌شود در این جنگ نیز مانند جنگ احد درباره اینکه آیا در شهر بمانند و دفاع کنند و یا بیرون از شهر بروند، مشورت گردید که در نهایت تصمیم گرفته شد در شهر بمانند و از شهر و مسلمانان و در حقیقت از موجودیت اسلام دفاع کنند که خداوند کمک کرد و پیروزی مهم و چشمگیری برای مسلمانان خصوصاً پس از کشته شدن عمر بن عبدود به دست علی^(ع) به وجود آمد. این نیز یک مشورت مهم و تأثیرگذار در سرنوشت اسلام و مسلمانان بوده است.

پیامبر اعظم^(ص) آنگاه که مورد این پرسش قرار می‌گیرد که: حزم چیست؟ می‌فرماید: مشورت کردن با صاحبان عقل و پیروی کردن از آنها. با توجه به حدیث فوق اهمیت مشورت در دیدگاه پیامبر اعظم^(ص) روشن می‌شود. مولی علی^(ع) نیز که جانشین پیامبر اعظم^(ص) است می‌فرماید: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهُمْ فِي عَقُولِهِمْ»، هر کس که استبداد رأی داشته باشد هلاک می‌شود و هر کس با دیگران مشورت کند در عقول آنها شریک است (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۲). در کتابهای لغت نیز مشورت ضد استبداد رأی معرفی شده است. فکر یک نفر به تنهایی تا حدی می‌تواند حقایق را به دست آورد. وقتی افکار دیگر نیز در کنار فکر او قرار گرفتند، عقل او کامل تر می‌شود و به نتایج بهتر و مطمئن تری می‌رسد.

در همه‌ی امور اجتماعی، سیاسی و اجرایی و حتی نظامی رسول اعظم^(ص) آنگاه که مصلحت می‌دید با اصحاب به مشورت می‌پرداخت. البته روشن است احکام اسلام در معرض مشورت نبوده بلکه توسط شارع مقدس برای جمیع افراد حتی شخص رسول اعظم^(ص) تکلیف مشخص می‌شود. منطقه الفراع (بحارالانوار، ۶۸، ۳۸۶) نیز از مواردی است که

در محدوده‌ی آن می‌تواند با کار کارشناسی و مشورت و با توجه به اختیارات ولی فقیه به تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی پرداخت.

پیامبر اعظم (ص) و آثار مشورت بر اصحاب

- ۱- شخصیت دادن به پیروان، پیامبر اعظم (ص) با مشورت، به اصحاب شخصیت داده و کسانی را که ممکن است در حکومت‌های دیگر مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گیرند مورد توجه قرار می‌داد.
- ۲- در طی یک برنامه مشورت پیامبر اعظم (ص) با اصحاب آنان به رشد فکری و کمال عقلی دست پیدا می‌کردند زیرا مناظره، مباحثه علمی و... نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در رشد فکری انسان دارد.
- ۳- برای اداره‌ی جامعه، نیاز به افراد لایق، شایسته و شناخته شده وجود دارد که در هنگام مشورت وجود افراد آشکار شده و در حقیقت برنامه‌ی شایسته‌ی سالاری به پیش می‌رود.
- ۴- پیامبر اعظم (ص) گرچه خود معصوم است اما به یاران خود آموخت که با مشورت ضریب خطای خود را کاهش دهند. به صورت طبیعی یک انسان به هر اندازه دارای اندیشه قوی باشد اما بالاخره احتمال خطا وجود دارد ولی به هر اندازه که انسان در کارها با دیگران و مخصوصاً متخصصان مشورت کند این احتمال خطا کاهش می‌یابد.
- ۵- کارگزاران و مسئولان در هر نظامی نیاز به ناظر دارند تا از دایره‌ی عدالت خارج نشده و از قدرت سوء استفاده نکنند. بهترین ناظر، مردم هستند که از طریق شورا به طور مستقیم یا غیر مستقیم نظارت خود را اعمال می‌کنند.

ضوابط و معیارهای شورا

شورا و مشورت مثل هر بحث دیگری دارای ضوابط و قواعد خاصی است و در زمینه‌های خاصی کاربرد دارد. مرحوم نائینی فقط در بحث مجلس قانونگذاری، شورا را مطرح می‌کند. اما می‌توان گفت در همه‌ی عرصه‌های زندگی اجتماعی و فردی به استثناء احکام و شریعت، باید مشورت کرد. شیوه کار شورا بحثی عرفی و عقلانی است که جزئیات آن از طریق شرع مقدس مشخص نشده و به عرف و قانون واگذار شده است.



سید محمد باقر صدر می‌گوید: پیامبر اعظم^(ص) تعلیمی در باره‌ی مقررات مشورت و جزئیات قانونی و مفاهیم نظری آن نداده است و به همین دلیل در روایات پیامبر اعظم^(ص) هیچ تصویر قانونی مشخصی برای نظام مشورت نمی‌یابیم (پیشین، ۱۴).
منظور ایشان این است که کلیت مشورت توسط قرآن و پیامبر اعظم^(ص) مشخص شده است اما جزئیات و شیوه‌ی کار در دوره‌های مختلف شکل‌های مختلف به خود می‌گیرد. در جای دیگر می‌نویسد: قوانینی که پیامبر اعظم^(ص) در منطقه الفراغ قانون اسلام از این حیث که ولی امر و حاکم است آورده احکامی نیست که ذاتاً دایمی باشد زیرا از پیامبر^(ص) به وصف نبوت و تبلیغ احکام عمومی و ثابت شرع صادر نشده است (سید محمد باقر صدر، ۱۵؛ اقتصاد ناقص، ۳۷۹).

بنا بر این شیوه‌ی مشورت گاهی به صورت مجلس شورای اسلامی، شورای مصلحت نظام و شورای شهر و روستا و..... انجام می‌گیرد و تعیین مصداق خاص برای شورا ممکن نیست و لزومی ندارد بلکه در شرایط زمانی و مکانی مختلف شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. اما بر پیامبر واجب نیست.

وجوب شورا

سؤال مهم و اساسی این است که آیا شورا واجب است؟ اگر واجب است بر چه کسی واجب است؟ بر حکومت یا بر مردم یا بر هر دو اگر شورا را واجب ندانیم آنگاه نتایج آن الزام آور نبوده و بحث از شورا و تأثیر آن در اجرا و پیشبرد بهتر امور و جلوگیری از تک روی بی‌پهوده می‌گردد سید قطب می‌گوید: همان گونه که برای مسلمانان ترک نماز جایز نیست ترک مشورت نیز جایز نیست به خصوص در کارهایی که در ارتباط با مصالح عمومی جامعه است. (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۵، ۲۲۹) سید محمد باقر صدر نیز همین مطلب را بیان می‌کند (سید محمد باقر صدر، الاسلام يقود الحیاة، ۱۵۲).

با این همه بعضی از عالمان اسلامی مشورت را واجب ندانسته و نتایج آن را الزام آور نمی‌دانند شاید دلیل آن این باشد که در قرآن کریم از پیامبر^(ص) می‌خواهد که با امت مشورت کند ما اگر نتایج شورا را لازم الاجراء بدانیم بدین معناست که شخص پیامبر که معصوم است و علم لدنی دارد نیز باید از آن نتایج پیروی کند. راه‌های مختلفی برای پاسخ به این مسأله در نظر گرفته شده است.

۱- راجح و مستحب بودن تبعیت از نتایج شورا و مشورت کردن برای رئیس دولت.
۲- بر دیگران واجب است از نتایج شورا تبعیت کنند، ولی بر رسول خدا چنین نیست.

۳- از آنجائی که پیامبر مبلغ و رساننده‌ی وحی الهی است مصون از خطاست در تبلیغ دین و بیان احکام الهی و آنچه که بدان مربوط می‌شود و در آن شناخت راهی برای مشورت نیست.

اما پیامبر اعظم^(ص) رئیس حکومت اسلامی نیز هست و از این منظر به عنوان یک حاکم اسلامی که بهترین و پاکترین دولت در تاریخ را به منصفی ظهور رسانده است، به مشورت با اصحاب خویش اهمیت می‌داد و آراء آنان را در تصمیم سازی‌های حکومت خود دخیل می‌کرد و بدین ترتیب، هم امر حکومت روان‌تر انجام می‌شد و هم اصحاب احساس می‌کردند که به آنها شخصیت داده شده و توانسته‌اند در اداره‌ی امور دخالتی داشته باشند.

نتیجه

اسلام عزیز و پیامبر اعظم^(ص) برای مشورت اهمیت بسیاری قائل شده است و مشورت در میان اصول اساسی حکومتی و مدیریتی ایشان یکی از ارکان محسوب می‌گردد. انبیاء عظام الهی در جهت رشد و شکوفایی عقل و اندیشه‌ی انسان، بسیار اهتمام ورزیده‌اند. یکی از رهنمودها و رفتارهای عملی بسیار مهم آنان در این زمینه، ترویج و گسترش فرهنگ مشاوره و مناظره است. انسان‌ها در معرض خطا هستند و حکمت اقتضا می‌کند که ضریب آسیب پذیری او از این ناحیه کاهش یابد تا زندگی او در جهت سعادت و توفیق پیش رود.

در نصوص دینی و روایات معصومین^(ع)، اصول و خطوط کلی هم اندیشی و مشورت طرح شده، ولی جزئیات و شیوه‌ی کار آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است. در طول تاریخ اسلام، التزام به این اصل مهم، موفقیت‌ها و پیشرفت‌های فراوانی در پی داشته است. مهمترین نمونه‌ی بهره‌گیری از این اصل مهم را در شکل‌گیری و تداوم نظام مقدّس جمهوری اسلامی ایران می‌بینیم؛ امور در مرحله‌ی شکل‌گیری نظام، زیر نظر امام و توسط شورای انقلاب انجام می‌گرفت و در طول عمر مبارک ایشان نظام با

تمهیداتی که در قانون اساسی فراهم گشت، شورا نقش بسیار مهمی را در سطوح مختلف تصمیم گیری، ایفا کرده است.

کتاب شناسی

- ابن فارس، **معجم اللغة**، مصر: ۱۳۹۰.
- فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر**، طبع مصر، ۱۳۱۳.
- جوهری، **صحاح اللغة**، طبع ایران ۱۲۷۰.
- خراسانی، محمد کاظم، **کفایه الاصول**، قم: مؤسسه‌ی نشر اسلامی حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۶۹.
- قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- ابن یعقوب، محمد، **تاریخ یعقوبی**، تهران: نشر دانش اسلامی، محرم ۱۴۰۵.
- مظفر، محمد رضا، **اصول فقه**، تهران: انتشارات جهان، بی تا.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱، ص ۴۶.
- طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الامم و الملوک**، ج ۳، بیروت: مؤسسه‌ی الاعلمی، ۱۴۰۳-۱۹۸۳.
- ابن العما (شهاب الدین ابی الفلاح)، **شدرات الذهب**، دار ابن کثیر بیروت ۱۹۸۶-۱۴۰۳.
- ابن کثیر - **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دار صادر.
- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.

